

مصاحبه

انگاره سیاسی تیم مذاکره‌کننده: مقاومت محاسبه‌شده و تهدید در برابر تهدید بررسی تحولات منطقه غرب آسیا پس از شهادت سپهبد قاسم سلیمانی

دکتر ابراهیم متقی، تحلیلگر مسائل سیاسی و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، در مصاحبه با مرکز مطالعات آمریکا با موضوع «نگاهی بر رابطه ایران و آمریکا با تأکید بر مذاکرات هسته‌ای»، به ایراد سخنرانی پرداخت.

دکتر متقی در ابتدای و در پاسخ به این سؤال که مذاکرات هسته‌ای وین، چه تأثیری بر رابطه ایران و آمریکا دارد؟ گفت: رابطه ایران و آمریکا، مبتنی بر مذاکرات وین نیست؛ مذاکرات وین، بخشی از حساسیت‌های آمریکا نسبت به الگوهای رفتاری و سیاست خارجه ایران است. این، در حالی است که انگاره‌های رفتاری آمریکا در قبال

ایران، طیف گسترده‌ای از موضوعات را در برمی‌گیرد. به عنوان مثال، آخرین محدودیتی که بایدن در قبال ایران، تمدید کرد به وضعیت اضطراری علیه ایران در مارس ۱۹۹۵، مربوط می‌شود که از سوی دولت دموکرات بیل کلینتون، اعمال شد که علت آن، به طور کلی به ساختار سیاسی آمریکا برمی‌گردد، چراکه در ساختار سیاسی آن، این انگاره وجود دارد که باید با کشورهای انقلابی که تصمیم به قدرت‌گیری دارند، مقابله شود و این انگاره، نمونه یک الگوی سخت‌افزاری است؛ الگوی سخت‌افزاری با ایران برای آمریکا، هیچ مطلوبیتی ندارد، زیرا آن‌ها را به عنوان یک مهاجم معرفی کرده و جامعه ایرانی را از

فضای انفعال اجتماعی، خارج می‌کند و در مدار مقابله با مهاجم قرار می‌دهد. به همین دلیل، آمریکایی‌ها از سازوکارهایی مانند تحریم، محدودیت‌های بین‌المللی و امنیتی کردن ایران بهره می‌گیرند. این رویکرد (سخت‌افزاری)، به کشورهای مربوط است که اولاً از موازنه نسبی برخوردار هستند و ثانیاً، آمریکا به آن کشورها برای ساختار موازنه نیاز دارد. چنین وضعیتی را در سال ۱۹۷۵ در روابط چین با آمریکا مشاهده کردیم؛ و دیدیم که آمریکایی‌ها از سال ۱۹۴۹ - که انقلاب چین شکل گرفت - تا سال ۱۹۷۵، نه تنها چین کمونیست را به رسمیت نشناختند، بلکه از تایوان در سازمان ملل و شورای امنیت

خدماتی و زیرساختی، با مشکل روبرو شود. از این رو، تیم مذاکره‌کننده ایرانی به دنبال سازوکاری است تا بتواند، تحریم‌ها را بردارد. پس رویکرد ایران در این دور از مذاکرات، بازسازی اقتصادی است، در حالی که رویکرد تیم مذاکره‌کننده آمریکایی، آن است که جهت‌گیری ایران در منطقه تغییر و ذخایر اورانیوم آن، کاهش پیدا کند

از نظر آمریکایی‌ها، هسته‌ای شدن ایران، می‌تواند میزان بحران را افزایش دهد، به همین دلیل، آمریکایی‌ها تلاش دارند که ایران را به لحاظ تاکتیکی، جهت‌گیری و ذخایر، تحت تأثیر قرار دهند. از طرفی تیم مذاکره‌کننده ایرانی نیز می‌داند که اوضاع وخیم اقتصادی - که دلیل عمده آن تحریم‌ها است - سبب شده است تا شرایط اجتماعی،

حمایت کردند. این روند، ۲۶ سال و تا سال ۱۹۷۵ طول کشید. بنابراین، مدل بیگ بارگنی در رابطه با ایران، جواب نخواهد داد و این، بدان علت است که آمریکا در جنوب غرب آسیا، از کشورهای محافظه‌کار حمایت می‌کند. وی در ادامه پاسخ خود افزود: موضوع هسته‌ای برای دو کشور، از دو جهت دارای اهمیت است؛ اول این‌که



اقتصادی و در کنار آن، عمل کردن طرف آمریکایی به تعهداتش نیز برای تیم مذاکره‌کننده ایرانی، حائز اهمیت است. به همین دلیل است که تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، به دنبال تضمین‌های کاربردی است. در واقع، باید گفت که تضمین دو نوع است؛ یک نوع تضمین حقوقی است که در آن، ضامن تعهد می‌دهد اما تعهدش اثری ندارد. تضمینی اثربخش است که ضامن (وزیر

رادک می‌کنند. محور تعادل‌بخش حقوق بین‌الملل، دیپلماسی، همکاری‌های چندجانبه و راستی‌آزمایی است؛ اما اگر الگویی شکل بگیرد که راستی‌آزمایی یک‌طرفه باشد، در این صورت هر چیزی که قابلیت ایجاد موازنه و تعهدهای متقابل را داشته باشد، حائز اهمیت است. وی در ادامه پاسخ خود گفت: امروزه راستی‌آزمایی تنها نگرانی ایران نیست، بلکه گشایش

دکتر متقی در ادامه و در پاسخ به این سؤال که آیا ایران و آمریکا، در خواسته‌های خود به یک همگرایی دست پیدا خواهند کرد یا خیر؟ گفت: ایجاد وضعیت تعادلی کاری بسیار مشکل است. واقعیت این مذاکره، مبتنی بر چانه‌زنی است. وقتی ما در ایران، بحث مصالحه را مطرح می‌کنیم، به این معنا است که ما، حساسیت‌های آمریکا را درک می‌کنیم و آن‌ها هم حساسیت‌های ما



خارجه آمریکا)، دستور لغو برخی از تحریم‌ها را به برخی نهادهای اقتصادی بدهد و از این طریق، زمینه‌های لازم برای همکاری‌های چندجانبه را به وجود بیاورد. در مذاکرات هسته‌ای وین، چانه‌زنی در حال انجام است و از حالت دوجانبه به چندجانبه تغییر کرده است. این نوع چانه‌زنی، ممکن است که طول بکشد اما پایداری آن بیشتر است.

دکتر متقی در پاسخ به این سؤال که آیا چانه‌زنی چندجانبه در مذاکرات هسته‌ای وین، مسبب به وجود آمدن یاران بیشتری برای ایران خواهد شد یا نه؟ گفت: واقعیت امر آن است که شرکت‌های اروپایی، تمایل دارند تا با ما، کار اقتصادی کنند و از انگیزه‌های لازم برای بهره‌مندی از بازار ایران نیز برخوردار هستند. وقتی شرکت‌های چینی می‌توانند، قراردادی ۲۰ میلیون دلاری با ایران داشته باشند، شرکت‌های اروپایی نیز تمایل دارند، شرایط لازم برای بستن چنین قراردادهایی با ایران، برای آن‌ها نیز به وجود آید. موضوع تحریم‌های ثانویه آمریکا در همین راستا است، زیرا علاوه بر تحریم شرکت‌های ایرانی، شرکت‌هایی هم که با ایران، معاملات تجاری انجام دهند، تحریم خواهند شد؛ فلذا اگر توافق حاصله مبتنی بر تضمین حقوقی باشد طبیعی است که میزان اثربخشی محدودی خواهد داشت اما اگر مبتنی بر تضمینی باشد

که سازوکار اجرایی داشته باشد، در نتیجه، مطلوبیت و اثربخشی بیشتری خواهد داشت. دکتر ابراهیم متقی در پایان به این سؤال که در صورت انجام توافق در مذاکرات هسته‌ای وین، تفاوت برجام ۲۰۱۵ با ۲۰۲۲، چه می‌تواند باشد؟ پاسخ داد و گفت: برجام ۲۰۱۵، بسیار شتاب‌زده انجام گرفت. روحانی تلاش و باور داشت که می‌تواند در زمان محدود، مذاکرات را به نقطه‌ای برساند که مشکلات اقتصادی ایران حل شود. انگاره تیم سیاست‌خارجه روحانی، ناشی از این ادراک بود که ایران در روند مذاکرات، محدودیت‌هایی را برای آمریکا ایجاد می‌کند و در صورتی که ما این محدودیت‌ها را برداریم،

دلیلی برای بهانه‌های آمریکایی، وجود نخواهد داشت. این، در حالی است که در انجام مذاکرات، باید به چند نکته توجه داشت؛ اول آن‌که آمریکا، چگونه می‌تواند در ساختار نظام بین‌الملل، نقش ایفا کند؟ دوم آنکه آیا آمریکا، می‌تواند شرکت‌های تجاری دیگر کشورها را که با ایران، معاملات تجاری دارند، شناسایی و ادامه همکاری آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد؟ و آخرین نکته این است که آیا آمریکایی‌ها، می‌توانند به یک توافق همه‌جانبه در تمامی ابعاد با ایران، دست پیدا کنند؟ پس بحث اصلی این است که منافع آمریکا، اروپا، چین و روسیه در ارتباط با ایران متفاوت است. در ۲۰۱۵، شتاب‌زده عمل کردیم و

ایران و آمریکا

که سیاست ایران و آمریکا، در چه وضعیتی قرار دارد؟ در فضای فعلی، حساسیت‌های تیم قبلی که ما را محدود می‌کرد، امروز وجود ندارد و آموزه‌های رسمی نظام سیاسی که مبتنی بر مقاومت محاسبه شده و تهدید در برابر تهدید است، در دوران فعلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

تیم عراقچی - که با بایدن در وین، انجام گرفته بود - تحت تأثیر درس‌های ۲۰۱۵ بود. ما در سال ۲۰۱۵، در وضعیت بی‌دفاعی قرار داشتیم و به همین دلیل، وزیر خارجه و رئیس‌جمهور همیشه حساس بودند، اقداماتی که ممکن است، روند مذاکرات را تحت تأثیر خود قرار دهد، انجام نشود؛ بنابراین، باید دید

انگاره ما این بود که اگر الگوی کنش تعاملی داشته باشیم، آمریکایی‌ها محدودیت را برمی‌دارند و به همین دلیل، تیم سیاست خارجه ایران مبنای اصلی خود را در ارتباط با نرمالیزه و غیرامنیتی کردن قرار داد و هیچ‌کدام از این‌ها حاصل نشد. اما در فضای مذاکره ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، روند تغییر پیدا کرد و حتی ادبیات

